

نگرشی بر مهاجرت کارگرن در دوران مشروطه

نادر پروانه^۱

مقدمه:

با ورود جامعه‌ی اروپا به جهان سرمایه داری و دست یابی به بازارهای سنتی شرق جهت فروش کالاهای صنعتی خود، جامعه‌ی ایرانی نیز دستخوش تغییرات عمده‌ای شد. ورود کالاهای اروپایی به ایران، کارگاه‌های سنتی ایران را به نیمه تعطیلی و در بعضی موارد به ورشکستگی دچار کرد، نیروی کاری که از بخش سنتی آزاد می‌شد، راهی جز رفتن به کشورهای همسایه و صنعتی را نداشت. مهاجرت در ایران پدیده‌ای تازه نبود ولی در این برهه‌ی زمانی که ایران از لحاظ اقتصادی در شرایط وخیمی قرار داشت و شرایط کاری مناسبی نیز وجود نداشت از نیمه‌های سده نوزدهم مهاجرت‌ها به سمت جنوب روسیه شروع شد. لازم به ذکر است از آنجایی که اکثریت این مهاجران را آذری زبان‌ها تشکیل می‌دادند لذا قرابت فرهنگی و نژادی در اطراف دو مرز باعث شد که سیل گسترده‌ی مهاجران از آذربایجان در باکو، تفلیس، گنجه و تمرکز پیدا کنند.

در این مقاله به دنبال این هستیم تا علل و چگونگی مهاجرت کارگران را به نواحی جنوب روسیه مورد بررسی قرار داده و سپس به بیان وضعیت کارگران در این مناطق پرداخته و تأثیرات آنها بر ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران.

علل و عوامل مهاجرت:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با توجه به امکانات و ثروت‌های ملی موجود، میدانی برای مبارزه قدرتهای بزرگ دنیا ایجاد شده بود. فروپاشی نظام زمین‌داری و اقتصاد سنتی ایران در دوران حکومت شاهان قاجار گرفتن وام‌های هنگفت از کشورهای بیگانه و دادن امتیازهای ناروا به آنها، کشور را در وضعیت اقتصادی بدی قرار داده بود. باجگیری و رفتار خود سرانه ماموران دولتی نیز وضعیت را بدتر کرده بود بسیاری از کشاورزان که تا آن زمان با تولید محصولات خود امرار معاش می‌کردند، به تدریج وسیله درآمد خود را از دست دادند و به نیروی کارگری پیوستند. از آنجا که شرایط مناسب کاری برای اشتغال این نیروی عظیم در داخل ایران به اندازه کافی فراهم نبود، بسیاری از آنان به کشورهای همسایه از جمله کشورهای منطقه قفقاز و آسیای میانه و روسیه تزاری مهاجرت کردند.^۱ اگرچه در مناطق شرقی اهل خراسان به عشق آباد مهاجرت می‌کردند ولی در نواحی غرب، شمال و مرکز ایران گرایش به مهاجرت به روسیه و نواحی جنوبی آن به ویژه قفقاز و شهر باکو را داشتند. اگر بخواهیم علل این مهاجرت را بررسی نماییم باید به عوامل رانش یا فعل و انفعالات کشور مبدا که مردم را مجبور به مهاجرت می‌کند^۲ اشاره کنیم. فروپاشی نظام اقتصاد سنتی و به همراه آن خانه خرابی دهقانان و پیشه‌وران به رهایی و بیکاری آنها به ویژه دهقانان منجر شد. همچنین موقعیت خاص تاریخی - جغرافیایی اقتصاد ایران در زمان ادغامش در نظام جهانی چنان بود که نیروی کار مازاد که از بخش سنتی آزاد می‌شد، نمی‌توانست از طریق استخدام در بخش‌های جدید دوباره جذب اقتصاد شود و در نتیجه نیروی کاری که از بخش‌های سنتی آزاد میشد راهی جز مهاجرت نداشت. به همین علت مهاجرت در آغاز قرن بیستم ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد.^۳ این کارگران علت مهاجرت خود را اوضاع داخلی ایران می‌دانستند. آنها اعتقاد داشتند: «در ایران امنیت نیست، کار نیست، نان نیست، بعضی از تعدی حکام، برخی از ظلم بیگلربیگی، داروغه و کدخدا»^۴ همچنین فقر در روستاها و ورشکستگی کسبه شهری که در نتیجه رقابت خارجی حاصل شد سبب گردید عده زیادی از مردم ایران تحمل خود را از دست داده‌اند و کشور را ترک کنند. قسمت اعظم این مهاجرین به مراکز صنعتی روسیه تزاری روی آوردند و معدن نفت باکو از مهمترین این مراکز به شمار می‌رفت.^۵ کم‌درآمدی مملکت ایران، بیکاری مردم، تعدی زبردستان در حق زبردستان و بی‌صاحبی رعیت که اینان را به خاطر یک تومان پول

۱. بی‌نا، نقش قفقاز در انقلاب مشروطه ایران، برگرفته از سایت www.aftab.ir

۲. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، مترجم حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۳۷۸

۳. خسرو شاکری، پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی جنبش مشروطه و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران، اختران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳

۴. ابراهیم بیگ مراغه‌ای، سیاحت نامه ابراهیم بیگ یا بلای تعصب او، با مقدمه و حواشی محمدامین، سپیده، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۴۹

۵. عبدالصمد کامبخش، «نظری بر جنبش کارگری و کمونیستی در ایران»، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، ج ۱، ص ۱۳

تذکره بی‌سؤال و جواب به ممالک خارجه روانه می‌کرد.^۱ را نیز می‌توان از سایر دلایل رشد مهاجرت از کشور عنوان نمود. عوامل رانشی این مهاجرت بر بسترهای اجتماعی و سیاسی قرار داشت که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب ایران در این دوران است. علاوه بر عوامل رانشی در مهاجرت (تغییرات ساختاری شرایط اقتصادی ایران)، عوامل کششی نیز موجب جذب مهاجران به کشورهای مقصد می‌گردید.^۲ محرک قدرتمند این عامل، تحول اقتصادی در روسیه بود که کارگران ایرانی را در مقیاس انبوه به مراکز صنعتی رو به رشد در روسیه و به ویژه قفقاز جذب می‌کرد.^۳ از لحاظ تاریخی جابه‌جایی جمعیت در محدوده ایران ناشناخته نبود و ایران در تمام سال‌ها به طور غریبی با جا به جایی جمعیت مواجه بود؛ اگرچه در دوره مورد بحث یعنی بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ م ترازنامه مهاجرت برون‌کوچی در ایران منفی می‌باشد. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده تعداد مهاجرین به روسیه و جدول شماره ۲ منشا این مهاجرت را از ایران نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱

خارج شوندهگان از روسیه			وارد شوندهگان به روسیه		
سال	پاسپورت	جواز	واردین به روسیه	خارجین از روسیه	سال
۱۹۰۳	۷۴/۱۸۶	۱۹/۱۹۹	۵۲/۶۸۱	۱۶/۶۴۲	۶۹/۳۲۳
۱۹۰۴	۶۶/۱۵۶	۱۲/۶۲۳	۵۰/۱۸۰	۱۳/۰۰۴	۶۳/۸۱۴
۱۹۰۵	۵۱/۵۵۰	۱۶/۴۱۶	۴۵/۷۸۶	۱۴/۲۴۵	۶۰/۳۷۱
۱۹۰۶	۶۲/۸۳۰	۳۲/۳۰۲	۳۱/۵۰۸	۲۹/۰۱۶	۶۰/۵۲۴
۱۹۰۷	۵۶/۲۶۷	۳۸/۳۴۹	۴۱/۷۷۲	۳۶/۰۳۱	۷۷/۸۰۳
۱۹۰۸	۵۷/۵۳۷	۴۴/۵۳۱	۴۵/۹۸۳	۴۱/۱۵۵	۸۷/۱۳۸
۱۹۰۹	۶۳/۸۹۹	۵۲/۳۵۷	۴۵/۴۶۴	۴۹/۹۹۰	۹۵/۴۵۴
۱۹۱۰	۷۸/۹۸۱	۸۲/۶۹۸	۶۱/۲۱۹	۷۴/۸۸۸	۱۳۶/۱۰۷
۱۹۱۱	۸۲/۶۶۸	۱۰۸/۵۸۲	۶۱/۹۸۴	۹۵/۷۲۱	۱۵۷/۷۰۵

مهاجرت قانونی ایرانیان به روسیه از طریق مرزهای آسیایی ۱۹۰۳-۱۹۱۱

برگرفته از کتاب تاریخ معاصر ایران

۱. ابراهیم بیگ مراغه‌ای، همان، ص ۵۳

۲. آنتونی گیدنز، همان، ص ۳۷۹

۳. حسین حکیمیان، «کارمزدی و مهاجرت»، تاریخ معاصر ایران، مترجم افسانه منفرد، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، بهار ۱۳۷۴، ص ۴۷

جدول شماره ۲

کرهستان	شمال و شمال شرقی ارومیه	تهران-تهران	تهران-چلغافا	قراچه داغ	نواحی جنوب ارومیه	ناحیه اردبیل
کرمانشاه	38	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران
سمنان	2	قزوین	مزند	مزند	سلمان	سراب
همدان	119	خمسه	مرگر	مدان	خوی	مشکین
گروس	277	زنجان			ایرواتک	خلخال
افشار	466	گرمهرود			ماکو	آستارا
سینکله	138	Khyantarud			دیلمان	النبراغوش
ساوجبلاغ	۱۲۶	Thkmedash				
		میانه				
جمع کل	1/296	1/85	6/48	9/67	9/5	۶۸۶/۱۶
درصد درکل	2	3	۱۰	۱۴	۱۵	۲۷
						۲۹

جدول شماره ۲ برگرفته از کتاب تاریخ معاصر ایران

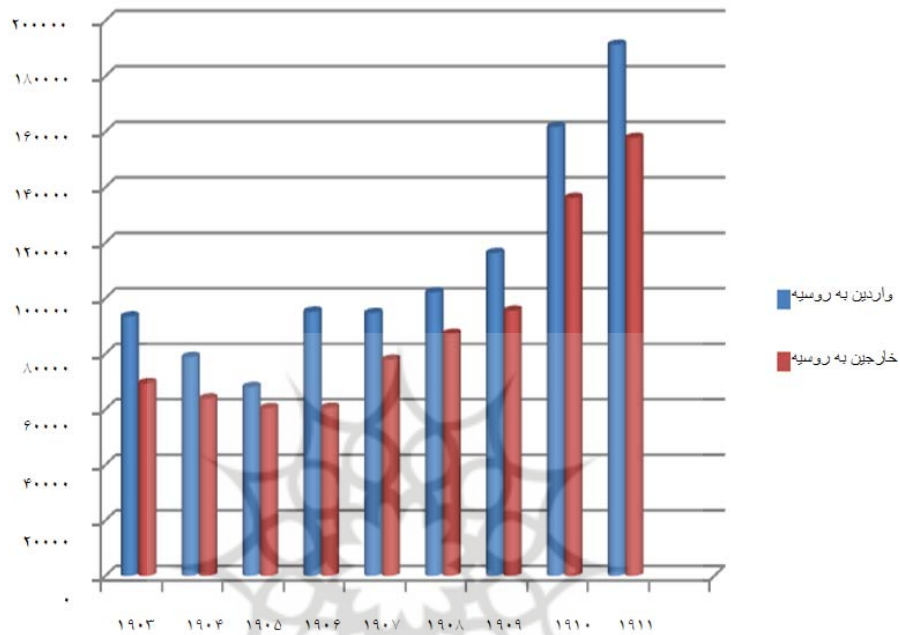
در جداول فوق باید به چند نکته توجه نمود. اول اینکه تعداد مهاجران غیرقانونی در این جداول لحاظ نشده است و همچنین براساس جدول شماره ۲ اکثر ایرانیانی که با کارگری و باربری در ولایت‌های قفقاز روزی کسب می‌کردند از آذری زبان‌های آذربایجان ایران هستند^۱ که به راحتی و بدون گرفتن روادید می‌توانستند جهت کار به نواحی صنعتی قفقاز سفر کنند. علاوه بر دو مورد فوق، در این جداول کل مهاجرین را در اکثر موارد کارگر تلقی نموده‌اند، لذا آمار دقیقی از تعداد کارگران در نواحی قفقاز به دست

۱. محمدامین رسول زاده، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطه ایران، مترجم رحیم رئیس‌نیا، تهران، شیرازه، زمستان ۱۳۸۷، ص ۵۷.

نگرشی بر مهاجرت کارگری در دوران مشروطه/ نادر پروانه

نمی‌دهد و به احتمال زیاد آمار بیش از این ارقامی است که در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲



با توجه به نمودارهای بالا به خوبی می‌توان سیر نزولی مهاجرین به روسیه را از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ م مشاهده کرد. این سیر نزولی بیانگر شرایط انقلابی در روسیه و نابسامانی‌هایی است که بر اثر این انقلاب رخ داده است. اوج این نزول را می‌توان در سال ۱۹۰۵ م یعنی در زمان وقوع انقلاب روسیه مشاهده کرد. در این سه سال با کاهش ۲۵۴۱۹ نفر مهاجر روبرو هستیم. از سوی دیگر با نگاهی به آمار خارج‌شوندگان از روسیه از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ م شاهد یک سیر صعودی از خارج‌شوندگان از روسیه هستیم؛ اما از سال ۱۹۰۶ م به بعد و همزمان با آغاز نهضت مشروطه در ایران با سیر صعودی مهاجرت روبرو می‌شویم که علاوه بر نابسامانی در ایران و عوامل رانشی که ذکر شد بر نرخ مهاجرت‌ها افزوده می‌شود. از سوی دیگر به دلیل وجود ثبات نسبی در نواحی جنوب روسیه جذب مهاجران در این نواحی بیشتر است. و همچنین تعداد افراد مهاجری که به مناطق جنوب روسیه جذب می‌شوند و به ایران برنمی‌گردند به علت وجود ناآرامی‌های داخلی در ایران و عوامل رانشی ذکر شده، و نیز صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۹۰۶ م در حال افزایش بود. در سال ۱۹۰۷ م یعنی در دوره پادشاهی محمدعلی شاه که ثبات نسبی در ایران برقرار بود جمعیت مهاجری که به ایران مراجعت می‌کنند به نسبت مهاجرینی که به روسیه وارد شده بودند، افزایش پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که این افزایش با توجه به تعداد مهاجرینی است که در سال‌های گذشته به ایران بازگشت نکرده‌اند. و در سال ۱۹۰۸ م که مجلس به توپ بسته می‌شود و تا حدودی ثبات سیاسی در ایران از بین می‌رود، جمعیت کمتری نسبت به خارج‌شوندگان از ایران به کشور برگشتند و اوج این مساله را می‌توان در سال ۱۹۰۹ م تا ۱۹۱۱ م شاهد بود که به نحوی در این سال‌ها به یک سیر صعودی از کسانی که به ایران مراجعت نمی‌کنند برمی‌خوریم.

وضعیت اجتماعی و اقتصادی مهاجران:

تعداد کارگران ایرانی در تاسیسات نفتی باکو و سایر تاسیسات صنعتی قفقاز قابل ملاحظه بود به عنوان مثال در تاسیسات نفتی باکو شمار کارگران ایرانی از ۱۱٪ کل کارگران در سال ۱۸۹۳ م به ۲۲٪ کل کارگران در ده سال بعد و در سال ۱۹۱۵ م به ۲۹٪ افزایش یافت.^۱ این درحالی بود که اکثریت ایرانیان مقیم تفلیس را کارگران ساده ساختمانی تشکیل می‌دادند.^۲ «همه فعله و حمال‌اند مگر چهل پنجاه نفر که میوه‌فروش، آشپز و دست‌فروشد، مابقی سرگردان و محتاج قوت لایموت»^۳ مهاجرینی که شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی کشور کوچ‌پذیر را هماهنگ با ذوق و طبع خود می‌یابند همانجا می‌مانند.^۴ به عنوان مثال در سال ۱۹۱۱ م بیش از ۱۹۱۰۰۰ نفر به روسیه وارد شدند و در مقابل ۱۵۷۰۰۰ نفر از این مهاجران به وطن بازگشتند. اگرچه این تعداد واردین و خارجین از روسیه بیانگر کار فصلی است، نزدیک به

۱. عبدالله‌یف، کارگران در اواخر قاجاریه، مترجم مارینا کاظم زاده، تهران، آگاه، چاپ دوم ۱۳۷۱، ص ۱۰۲

۲. رحیم رضازاده ملک، زبان برای انقلاب؛ هوپ هوپ نامه، تهران، سحر، ۱۳۵۷، ص ۲۸

۳. ابراهیم‌بیگ مراغه‌ای، همان، ص ۴۸

۴. امیر آشفته تهرانی، جامعه و جامعه‌شناسی، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷

۳۵۰۰۰ نفر از آنها «در سایه بیکاری و فزونی ستم در کشور خویش ماندن نتوانستند و به شهرهای بیگانه پناه می‌بردند.»^۱ تقی‌زاده نیز در خاطرات خود از باکو می‌گوید: «ایرانی در باکو کلاً عده عظیمی داشتند به من گفتند که در زمستان ۸۰۰۰۰ نفر ایرانی کارگر و غیره هستند و در تابستان عده‌ای برای زراعت‌شان به ولایت خود بر می‌گردند.»^۲ شرایط اقتصادی سخت در وطن، اهانت و حقارت اجتماعی در خارج، شرایطی بود که اغلب مهاجران در دوسوی مرز با آن روبرو می‌شدند.^۳ با توجه به این شرایط سخت اقتصادی و بی‌تدبیری سیاستمداران این کارگران در ولایات قفقاز اقامت را بر بازگشت به وطن ترجیح می‌دادند. اما مسئله اساسی اینجاست که با توجه به کار فصلی و اینکه بیشتر این مهاجران برای کار چندین بار به جنوب روسیه می‌روند، آمار ۱۹۲۹۱۱ نفر از این مهاجران که به ایران مراجعت نمی‌کنند عمق وضعیت نابسامان اقتصادی را در ایران نشان می‌دهد. در فاصله این ۹ سال تنها در سال ۱۹۰۵ م است که به دلیل انقلاب روسیه تعداد مهاجرینی که به ایران بر نمی‌گشتند به کمترین حد خود یعنی ۷۵۹۵ نفر می‌رسد.

بیشتر مهاجران از جامعه‌های جهان سوم به بیرون کشور بدون تخصص‌اند و ناگزیر در کشورهای مهاجرپذیر به کارهایی دست می‌زدند که هم دشوار و هم کم درآمد است. دستمزد دریافتی این کوچندگان در سطح کمترین مزدی است که کشورهای کوچ‌پذیر تعیین می‌کنند. این افراد حاضرند به بدترین شرایط زیستی تن در دهند و بخش بزرگی از درآمد خود را پس انداز کنند.^۴ در این دوره به روایت اسناد، مشقت‌کش‌ترین، تیره‌روزترین، بیچاره‌ترین و مظلوم‌ترین هیئت کارگران باکو را حملان پل تشکیل می‌دادند، که همه ایرانی بودند. در حالی که کارگران دیگر حتی یک روز طاقت مشقات این کار را نمی‌آوردند و روزانه با حمل ۱۲-۱۳ ساعت بار بر پشت خود روزگار می‌گذرانند و ۵۰-۶۰ کپک یا ماهانه ۱۵-۲۰ منات مزد بدست می‌آوردند. در حالی که کارگر غیرماهر معدن در ازای نه-ده ساعت کار ماهانه بیست-بیست و پنج منات حقوق دریافت می‌کردند.^۵ این در حالی بود که اکثر کارگران مهاجر به باکو در معدن‌های نفت باکو با رنج و خواری بسیار روزگار می‌گذرانند.^۶ کارگران ایرانی در باکو بین ۱۵ تا ۲۰ ساعت و اغلب حتی در شب کار می‌کردند. آنان دچار سوءتغذیه بودند و بیشتر مواقع زیر درخت‌ها و در باغات می‌خوابیدند.^۷ همه کارهای پست و پرزحمت به عهده این ایرانیان بدبخت است.^۸ دست‌مزدشان ۶۰ کپک یا مسکن و ۷۰ کپک بدون آن بود (۲۳٪ تا ۲۵٪).

رتال جامع علوم انسانی

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تبریز، اختر، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۶۰۴

۲. سید حسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی (خاطرات)، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵

۳. حسین حکیمیان، همان، ص ۵۷

۴. امیر آشفته تهرانی، همان، ص ۱۰۷

۵. محمدامین رسول‌زاده، همان، ص ۷۷-۷۸

۶. احمد کسروی، همان، ص ۱۶۷

۷. حسین حکیمیان، همان، ص ۵۶

۸. ابراهیم بیگ مراغه‌ای، همان، ص ۵۲

کمتر سایر کارگران) کارآموزان تنها روزی ۴۰ کپک دریافت می‌کردند.^۱ مزد متوسط کارگر ساده در تبریز روزی یک قران بود همین کارگر در باکو ماهانه ده تومان می‌گرفت. او با قناعت زندگی می‌کرد و بخشی از درآمد خود را برای خانواده‌اش به ایران می‌فرستاد. دهقان مهاجر موظف بود که سهم ارباب خود را نیز برای او بفرستد، مقدار پولی که کارگران مهاجر با خود به ایران می‌آوردند یا از خارج به کشورشان می‌فرستادند سالانه به دو میلیون روبل می‌رسید.^۲ علاوه بر ظلم و ستمی که در ایران به کارگران می‌شد آنها با کمترین دستمزد نسبت به سایر کارگران به کارهای سخت و طاقت فرسا دست می‌زدند.

قفقازی‌ها و اهالی محل، ایرانی را همشهری خطاب می‌کردند و او را پست و حقیر می‌شمردند حتی خود همشهری نیز برای خود شخصیتی قائل نبود او را تحقیر می‌کردند و در رستوران‌ها، ترن‌ها و محل تفریح و تفرج اجتماعی راه نمی‌دادند. همشهری از برده و غلامان دوره اسارت پست‌تر و حقیرتر بود. او برای کارکردن، زحمت کشیدن و کتک خوردن خلق شده بود، خود او همه اینها را تحمل می‌کرد زیرا در میهن خود علاوه بر این که از این حقیرتر و از این بی‌حقوق‌تر بود کار هم گیرش نمی‌آمد.^۳ همشهری از ظلم خان‌ها و محتکران و برای رهایی از چنگ بیکاری و بیقانونی و به قصد محافظت خویش و به دست آوردن لقمه نانی برای اهل و عیال خود که در کمال عسرت و بدبختی در ایران به سر می‌برد به باکو می‌رفتند.^۴ با این اوضاع انتظار هیچ گونه فعالیتی غیر از کار از آنها نمی‌رود.

تا هنگام وضع قانونی در سال ۱۹۰۳م کارفرمایان در برابر تصادفاتی که برای کارگران خارجی رخ می‌داد هیچ‌گونه مسئولیتی نداشتند.^۵ علاوه بر این نمایندگان دولت ایران نیز برای آنها گرفتاری درست می‌کردند، آنها حتی حقوق بیمه عمر کارگران کشته شده در معادن یا کارخانه‌های قفقاز را به خانواده‌هایشان در ایران مسترد نمی‌کردند و خود آن را ضبط می‌کردند و خود آنان با تبانی با کارخانه‌داران که پایین‌ترین دستمزد را به تازه‌واردان می‌پرداختند، به ثروت‌اندوزی مشغول بودند.^۶ هرگاه یکی از این عمده‌ها می‌مرد اگر چیزی داشت اول کسی که در سر جنازه‌اش حاضر می‌شد مامورین قونسول خانه‌ها بودند که خود را وارث شرعی و عرفی می‌دانستند اگر چیزی نداشت سه روز هم جنازه‌اش بر زمین می‌ماند ابتدا از آن طرف نمی‌گذشتند.^۷ اگر یکی بمیرد و چیزی هم داشته باشد آن هم مال قونسول است.^۸ آنان غالباً جایگزین کارگران محلی می‌-

رتال جامع علوم انسانی

۱. خسرو شاکری، همان، ص ۱۲۴

۲. سهراب یزدانی، مجاهدان مشروطه، تهران، نی، ۱۳۸۸، ص ۴۰

۳. جعفر پیشه‌وری، تاریخچه حزب عدالت، تهران، علم، ۱۳۵۹، ص ۱۵-۱۶

۴. احمد کسروی، همان، صص ۷۷-۷۸

۵. حسین حکیمیان، همان، ص ۵۶

۶. روزنامه ایران نو، ش ۱۶۷، ۱۲۸۹

۷. ابراهیم بیگ مراغه‌ای، همان، صص ۴۹-۵۰

۸. همان، ص ۵۳

شدند که حاضر نبودند در شرایط بد و وضعیت غیر بهداشتی کار کنند.^۱ این وضعیت تحمل ناپذیر تاثیر خود را بر آن دسته از کارگران ایرانی که از شرایط وخیم کشورشان آگاه بودند برجای می گذاشت. **میرزا رضا کرمانی** - قاتل ناصرالدین شاه قاجار - در شرح انگیزه‌های خود برای قتل شاه به بازپرسانش چنین گفت: «قدری پایتان را از خاک ایران بیرون بگذارید در عراق عرب و بلاد قفقاز و عشق‌آباد و اوایل خاک روسیه هزار هزار رعیت بیچاره ایرانی را ببینید که از وطن عزیز خود از دست تعدی و ظلم فرار کرده کثیف‌ترین کسب و شغل را از ناچاری پیش گرفته‌اند هرچه حمال و کناس والاغی مزدور در آن نقاط می‌بینید همه ایرانی هستند.»^۲ به عنوان مثال در ناحیه ولگا کارگران ایرانی جانشین روس‌ها می‌شدند و در میان اهالی این ترس را ایجاد می‌کرد که ایرانیان تنها کارگران بارانداز در تمام لنگرگاه‌های مهم ولگا خواهند شد.^۳ این دیدگاه در مورد همه ایرانیان مهاجر وجود داشت و آنها هم به رفتارهای همشهری‌های خود عادت داشتند و هم ظلم و ستم اهالی قفقاز را تحمل می‌کردند.

تأثیرات مهاجرت:

تقریباً همه کسانی که مهاجران ایرانی را در قفقاز دیده بودند آنها را در زمره ناآگاه‌ترین کارگران منطقه می‌دانستند. ایوا برویدو زن مبارز منشویک در میان کارگران نفت باکو می‌نویسد که ایرانیان هیچ گونه آگاهی طبقاتی نداشتند و نمی‌دانستند که سرمایه‌داران چه بلایی بر سرشان می‌آورند.^۴ به گفته یک مسافر آمریکایی، ایرانیان در تفریس با آنکه کارگران دائمی بودند تقریباً با نداری زندگی می‌کردند زیرا هنوز سازماندهی اعتصابی را نیاموخته بودند.^۵ توصیف وضعی که این مهاجران در آن کار می‌کردند نه تنها وضعیت طاقت فرسا و سطح بهره‌کشی از آنان را، بلکه سطح آگاهی سیاسی‌شان را نیز نشان می‌داد. بسیاری از ایرانیان مهاجر تنها در بند معیشت خود بودند ولی برخی هم از نظر فکری متحول می‌شدند. تحقیر و ستمی که بر ایرانیان می‌رفت آنها را به هم نزدیک می‌کرد و روحیه میهن پرستی در آنان می‌دمید. به علاوه تحولات سیاسی و اجتماعی پدیده‌های در قفقاز رخ می‌داد که خواه ناخواه بر ایرانیان تأثیر می‌گذاشت.^۶ شاید بتوان گفت این وضعیت اجتماعی که کارگران مهاجر در آن به سر می‌بردند باعث شد تا تجارب جدید خود را در نواحی قفقاز به کار گیرند و در احزاب فعال در قفقاز شرکت کنند.

سیاسی شدن تدریجی کارگران مهاجر ایرانی در خارج کشور سرانجام به گسترش عقاید رادیکال در ایران انجامید. انتقال عقاید رادیکال در خصوص نیاز به سازمان‌های کارگری زمینه را برای پیدایش جنبش

۱. رحیم رضازاده‌ای ملک، همان، ص ۴۳

۲. همان، ص ۳۳

۳. خسرو شاکری، همان، ص ۶۱

۴. سهراب یزدانی، همان، ص ۱۰

۵. خسرو شاکری، همان، ص ۱۲۲

۶. سهراب یزدانی، همان، ص ۱۴۱

نگرشی بر مهاجرت کارگری در دوران مشروطه/ نادر پروانه

کارگری در داخل ایران نیز مهیا کرد.^۱ با وجود تلاش‌های مشترک کارگران سازمان یافته در قفقاز به پیشرفت‌هایی نایل آمدند و موفق شدند برخی از کارگران را به جرگه سیاسی و سازمانی وارد کند. این امر در مشارکت مهاجر ایرانی در اعتصاب‌های عمومی ژوئیه ۱۹۰۳ م و دسامبر ۱۹۰۴ م و همین طور در چندین اعتصاب دیگر بازتاب یافت. در سال ۱۹۰۶ م حدود ۲۵۰۰ کارگر ایرانی معادن مس الله‌وردی در ارمنستان هسته اصلی اعتصابیون را تشکیل دادند.^۲ اما همه این مهاجران از کار اخراج و به ایران برگشتند ولی آنچه که اهمیت این اعتصاب را نشان می‌دهد ورود ایرانیان به جرگه فعالیت‌های اعتصابی و در ادامه سازماندهی آنها جهت دفاع از حقوق خود است.

حزب بلشویک و کمیته‌های تفلیس و باکو، توجه بسیاری به کارگران ایرانی و آذربایجانی داشتند. در سال ۱۹۰۴ م کمیته بلشویک‌های باکو، حزب سوسیال دموکرات باکو **همت** را تأسیس کرد که تحت مدیریت کمیته بلشویک‌های باکو فعالیت داشت.^۳ حزب سوسیال دموکرات همت که توسط کمیته بلشویک‌های باکو هدایت میشد، هر چه بیشتر نفوذ خود را در منطقه قفقاز گسترش می‌داد و شمار زیادی از کارگران ایرانی را به سوی خود جذب می‌کرد. این حزب در عمل شکل‌دهی مبارزات کارگران ایرانی و آذربایجانی را با استبداد تزاری بر عهده داشت.^۴ طبیعی بود که انبوه کارگران آذربایجانی و ایرانی که در زمره طبقه کارگر ماوراءقفقاز و یکی از گروه‌های پیشرو طبقه کارگر روسیه به شمار می‌رفتند، نمی‌توانستند از مبارزات انقلابی دور بمانند. آنها به تدریج به جنبش قدرتمند طبقه کارگر روسیه علیه ظلم و استبداد جذب شدند.^۵ کارگران مسلمان با خواسته‌های صنفی در حرکت‌های اعتصابی شرکت می‌جستند اما به دلایل فرهنگی و قومی از حزب سوسیال دموکرات کناره می‌گرفتند. سرانجام چند روشن‌فکر مسلمان در سال ۱۹۰۳ م یک گروه مطالعه سیاسی را در باکو تشکیل دادند. برخی از آنها مانند **سلطان مجید اقدیف** و **اسدالله جواد اوغلی آخوندوف** عضو حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بودند. این گروه در سال ۱۹۰۴ م روزنامه **همت** را به زبان ترکی آذری در باکو منتشر کردند؛ با این هدف که کارگران مسلمان را با اندیشه‌های تجددخواهانه و آزادی‌طلبانه آشنا سازند. اما پس از شش شماره، پلیس روزنامه همت را توقیف کرد و چاپخانه‌اش را بست. گروه ناشران روزنامه در همان سال ۱۹۰۴ م حزب **همت** را بنیاد نهاد. هدف این سازمان دست‌یابی به کارگران مسلمان، زدودن دشمنی خطرناک آنان با کارگران ارمنی و بسیج آنها برای مبارزه با نظام تزاری بود.^۶ از سال ۱۹۰۵ م در تعدادی از ایالات و ولایات شمالی ایران مخصوصاً در

۱. خسرو شاکری، همان، ص ۱۳۰

۲. همان، ص ۱۲۸

۳. گ.س. آرتونیان، انقلاب ایران و بلشویک‌های ماوراءقفقاز، مترجم محمد نایب‌پور، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵، ص ۳۳

۴. همان، صص ۳۴-۳۳

۵. همان، ص ۳۴

۶. سهراب یزدانی، همان، ص ۴۲

آذربایجان و گیلان تشکیلات و سازمان‌های سیاسی ایجاد شدند که تحت تاثیر نهضت انقلابی روسیه به ویژه قفقاز قرار داشت. در این امر کارگران ایرانی مقیم باکو نقش موثری داشتند. گروه سوسیال دموکرات همت در حقیقت محل تجمع همین کارگران محسوب می‌شد که اکثراً آذربایجانی بودند. پس از انقلاب ۱۹۰۵م روسیه، در ایران هم چند ماه بعد به تدریج زمینه‌های انقلاب مشروطه پدیدار گشت. همین امر سبب گردید بین انقلابیون ایران مخصوصاً در آذربایجان و سپس در گیلان و جریانات انقلابی منطقه قفقاز روسیه از جمله حزب همت پیوندهایی برقرار گردد.^۱ به تدریج این عده فرقه اجتماعیون عامیون را که همان سوسیال دموکرات است، تشکیل دادند. این فرقه در حقیقت ادامه دهنده و شعبه‌ای از سوسیال دموکرات‌های (اجتماعیون عامیون) قفقاز و باکو محسوب می‌شدند با این تفاوت که خط‌مشی معتدل‌تری داشتند.^۲ اجتماعیون عامیون برگردان نام سوسیال دموکرات به فارسی بود. این فرقه در برخی از اعلامیه‌ها و نشریه‌هایش، خود را اجتماعیون عامیون مجاهدین ایران یا تنها فرقه مجاهد می‌نامیدند. چه در ایران و چه در قفقاز فرقه اجتماعیون عامیون را گاهی به نام مجاهد می‌خوانند که هم کلمه‌ای ساده بود هم آوای فرهنگی آشنایی داشت.^۳ مهاجران ایرانی شاغل در حوزه نفتی باکوی قفقاز که اکثراً آذربایجانی بودند و تا سال ۱۹۰۴م در حزب سوسیال دموکرات روسیه فعالیت می‌کردند همت و فرقه اجتماعیون عامیون را تشکیل دادند.^۴ مدتی بعد از تشکیل این حزب همین ایرانیان منطقه قفقاز به ویژه مهاجرین مقیم باکو موجب انتقال تفکرات سوسیال دموکراتیک به نواحی شمال ایران شدند.^۵ برنامه اولیه اجتماعیون عامیون به برنامه همت بسیار شبیه بود و شامل خواسته‌هایی چون تقسیم زمین‌های کشاورزی بین دهقانان، ۸ ساعت کار روزانه برای کارگران، آزادی بیان و مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری و برپایی اعتصاب می‌شد.^۶ جذب کارگران به فرقه اجتماعیون عامیون در سطح وسیعی انجام نگرفت اما همان تعدادی که جذب شدند باعث انتقال این افکار به ایران شدند.

برخی از بنیانگذاران فرقه اجتماعیون عامیون چنین کسانی بودند: نریمان نریمانف، میرزا جعفر زنجانی، حاجی خان، مشهدی محمد علیخان، مشهدی اسماعیل میایی. در میان این افراد، نریمانف قفقازی و عده‌ای روسی و بقیه ایرانیان مهاجر بودند. آنان در روزگار مشروطه به میهن خود بازگشتند و فعالانه درگیر

۱. ایوانف، انقلاب مشروطه ایران، مترجم آذر تبریزی، تهران، شبگیر، ۱۳۵۷، صص ۳۴-۳۷

۲. اتحادیه منصوره، پیدایش و تحول احزاب مشروطه ایران، دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی، تهران، گستره

، ۱۳۸۱، صص ۶۸-۶۹

۳. سهراب یزدانی، همان، ص ۴۵

۴. یراوند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، مترجم احمد گل‌منش و محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران، نی،

چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹، ص ۳۷

۵. اسدالله معطوفی، انقلاب مشروطه در استرآباد (گرگان)، تهران، حروفیه، ج ۳، ۱۳۸۴، ص ۷۷۹

۶. سهراب یزدانی، همان، ص ۴۵

مبارزه سیاسی و پیکار نظامی آذربایجان شدند.^۱ با این اوضاع در ایران طبقه کارگر هنوز کوچک بود و به عنوان طبقه تحت سلطه در کنار شبان کارگان، دهقانان و کارگران روزمزد بازار قرار میگرفت.^۲ در ایران، سرمایه‌داری به مفهوم دقیق کلمه وجود نداشت در ایران نه سرمایه‌داری سازمان‌یافته و نه طبقه کارگر مدرن توسعه‌یافته موجود بود؛ تنها چیزی که رشد کرده بود فقط سرمایه‌ریوی و سرمایه تجاری بود.^۳ در جنگ ارامنه و مسلمانان در باکو تعدادی از این کارگران بی‌گناه کشته شدند و خون‌هایشان از میان رفت، «زیان ناتوانی دولت ایران را آنان بیشتر درمی‌یافتند و این بود چون آگاهی از جنبش مشروطه و برپا گردیدن دارالشورا به ایشان رسید بیش از دیگران شاد گردیدند و به یاد خانه و خوبشان خود افتاده و به بازگشت امیدمند شدند». طبقه‌ی کوچک کارگران ایرانی با شور و شوق به انقلاب پیوست و از سال ۱۹۰۶م تا ۱۹۱۰م در اعتصاب‌های پرحاشیه‌ای شرکت کرد و نخستین اتحادیه کارگران ایران را تشکیل دادند.

ماهگیران شرکت شیلات ایران متعلق به روسها، ملوانان و باراندازان بندر انزلی، کارگران چاپخانه‌ها و تلگرافخانه تهران و کارگران چرمسازی تبریز اعتصاب‌هایی به راه انداختند. لازم به ذکر است که دو گروه نخستین با افکار سوسیال دموکرات‌های قفقاز روسیه آشنا بودند و کارگران چاپخانه‌ها در محیط روزنامه از افکار رادیکال روشنفکری تأثیر می‌پذیرفتند.^۴ در بازگشت تعدادی از نمایندگان تبریز که از راه قفقاز عازم تهران بودند، کارگران قفقازی خواستار دیدار با نمایندگان شدند «آهنگ آنجا نمودند. پس از دیدن و اندوه خوردن دوباره بازگردیدند کسانی از آگاهان ایشان به دارالشوری فرستاده و خواستار شدند اگر بشود آنان نیز نمایندگانی از میان خود برگزینند و به دارالشوری فرستند.»^۵ نخستین جنبش کارگری با ظهور انقلاب مشروطیت پدید آمد و با افول آن از میان رفت و در سال ۱۹۱۱م به دنبال مداخله روسیه درهم شکسته شد. میتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که طبقه کارگر در این دوره هنوز کوچک بود. به دلیل تعداد بسیار محدودشان، نقشی قاطع همانند پیشه‌وران و روحانیون و بازرگانان در انقلاب مشروطه ایفا نکردند.^۶ با سیاسی شدن کارگران مهاجر ایرانی به خصوص آن دسته از کارگران که به طور فصلی در آنجا کار میکردند و مدتی از سال را به ایران باز می‌گشتند اقوام و آشنایان آنان نیز به تدریج با عقاید و افکار سیاسی از جمله تشکیل سازمان‌های کارگری برای دفاع از حقوقشان آشنا شدند. با توجه به اینکه تعداد ایرانیان روسیه، نیم میلیون نفر تخمین زده می‌شود که یا مدتی در آن کشور مقیم می‌شدند و یا در سفرهای سالانه شرکت

۱. همان، صص ۴۵-۴۴

۲. جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، مترجم احمد تدین، تهران، رسا، ج ۷، ۱۳۸۶، صص ۲۲

۳. خسرو شاکری، نقش ارامنه در سوسیال دموکراسی ایران....، به کوشش محمدحسین خسرو پناه، پژوهش، ۱۳۸۲، صص ۱۱۱

۴. احمد کسروی، همان، صص ۱۶۷

۵. جان فوران، همان، صص ۲۴۷

۶. احمد کسروی، همان، صص ۱۶۷

۷. جان فوران، همان، صص ۲۴۷

می‌کردند،^۱ مشکل بتوان فرد یا خانواده‌ای آذربایجانی را تصور کرد که عوامل مهاجرت در آن سال‌ها، زندگی را تحت تأثیر قرار نداده باشد.

نتیجه‌گیری:

اگرچه مهاجرت در ایران پدیده‌ی تازه‌ای نبود؛ اما بر خلاف نظریه‌های رایج که یکی از دو عامل وضعیت بد اقتصادی ایران و یا پیشرفت صنعتی روسیه را موجب مهاجرت می‌دانند- همانطور که در بحث عوامل رانشی و کششی این مهاجرت‌ها ذکر شد- هر دو عامل در این امر دخیل بودند. شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی در داخل ایران و رشد سریع روسیه موجب مهاجرت‌هایی به مناطق جنوبی آن شد، که ترازنامه مهاجرت برون‌کوچی منفی را در ایران آن روز نشان می‌دهد. وضعیت اجتماعی و اقتصادی مهاجران نشان می‌دهد که با وجود شرایط بد اقتصادی و اجتماعی این کارگران به دلایل فقر اقتصادی، عدم آگاهی، فصلی بودن و حتی درگیری با ارامنه و گرجی‌ها در احزاب فعال در قفقاز جذب نشدند و حتی به یکدیگر نیز ستم می‌کردند. آنها به دلایل فرهنگی و قومی از حزب سوسیال دموکرات کناره گرفتند و در احزاب همت و اجتماعیون عامیون شرکت کردند. برنامه‌های اجتماعیون-عامیون به همت شبیه بود و هر دو در بردارنده‌ی خواسته‌هایی برای کارگران بودند و در بازگشت این کارگران به وطن بسیاری را تحت تأثیر افکار جدید که در نتیجه‌ی شرکت در احزاب کارگری مناطق جنوب روسیه بود قرار می‌دادند. فصلی بودن این کارگران و شرکت در اعتصاب‌های کارگری مناطق قفقاز موجب انتقال افکار جدید در زمینه‌ی تشکیلات کارگری به ایران شد. تعدادی از آنها در دیدار نمایندگان مجلس اول خواستار حضور یک نماینده از کارگران در مجلس شدند و به این طریق به تدریج زمینه را برای تشکیلات کارگری در ایران به وجود آوردند.

۱. حسین حکیمیان، همان، ص ۶۸